

### متن پرسش

سلام استاد طاهرزاده: آیا این امکان وجود دارد که خدا، یکی از خدایان باشد و از آنجا که خالق ماست دستگاه عقل و ذهن ما را به گونه ای سرشته است که فقط او را خدای واحد بپنداریم و اینکه بگوییم بی نهایت جای برای غیر نمی نهد مکفی نیست چه شاید نهایت و بینهایت مربوط به حیطه موجودات محدود و کمیت بردار باشد و خدایان اجل از این اوصاف باشند و یا امکان وجود چندین ذات اقدس اله بینهایت در عرض هم باشد چون جنس وجودیشان متفاوت است مثلاً فضای بینهایت را متصور شوید در آن فضا می توان بینهایت آب و بی نهایت نور و بینهایت امواج رادیویی و... داشت بدون تداخل، تازه این مربوط به عالم مادی است و در عالم مجردات و خدایان بطریق اولی شاهد خواهیم بود البته ممکن است خود حق هم نسبت به وجود سایر خدایان هیچ اطلاعی نداشته باشد کما اینکه ما نیز فقط به خودمان علم حضوری داریم نه دیگران.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در جزوه‌ی «معارف اسلامی ۱» که بر روی سایت هست، بحثی در رابطه با یگانگی خداوند شده است که آن قسمت را خدمتتان ارسال می‌دارم: موفق باشید

**۷. یگانگی خداوند:** در قرآن هست که بقیه گناهان اگر توسط انسان ادامه نیابد بخشیده می‌شود، ولی فقط شرك است که چنانچه انسان توبه نکند بخشیده نمی‌شود، چون اصل تعادل انسانی در اندیشه شرك آلود، فرو ریخته است. در اندیشه شرك آلود است که انسان جهتی به سوی خداوند ندارد ولی می‌شود انسان در عینی که جهتی الهی دارد به جهت غلبه هوس گناهی را انجام دهد.

**برهان وحدت خداوند:** علاوه بر اثبات وجود خداوند، باید متوجه بود که خدای واحدی در جهان هستی هست، چون می‌بینیم نظم جهان نظمی است ارگانیکی و یک آهنگی و اندام‌وار. یعنی همه اجزاء آن در خدمت همه اجزاء است، مثل بدن که هر عضوی در خدمت همه بدن است، فرض چند تدبیری در چنین نظام یک آهنگی، محال است. زیرا از چند ذات متفاوت آثار و برنامه‌های متفاوت ظاهر و تدبیر می‌شود که در جهان چنین چیزی وجود ندارد.

**اشکال:** مگر حالا جهان ناهماهنگ نیست که آب تر می‌کند و آتش می‌سوزاند؟

**جواب:** این که اجزاء جهان همدیگر را محدود می‌کنند را نباید ناهماهنگی نامید، ناهماهنگی آن

است که قانونی، قانونی را در نظام عالم نقض کند و دیگر آن قانون در جای خود مؤثر نباشد، در حالی که با همین محدود کردن‌ها طبیعت به مقصد می‌رسد. مثل دوکفه ترازو که در عین جهت متفاوتی که دارند کار توزین را عملی می‌سازند.

**اشکال:** چرا فرض نکنیم که دو یا چند خدا در امر تدبیر جهان به توافق رسیده‌اند که به خاطر مصلحت با هم اختلاف نکنند و مانع تدبیر یکدیگر نشوند؟

**جواب:** توافق در نظام معنی می‌دهد برای رسیدن به هدفی مشخص، در حالی که خدا یعنی آن کس که خالق نظام است و فعل او همان نظام است و توافق یعنی پیروی چند نفر از قواعد عقلی موجود در نظام. مثل دو مهندس که توافق می‌کنند در این قسمت که استحکام بیشتری دارد پایه‌های پل را قرار دهند چون هیچ‌کدام از این مهندسين خالق نیستند، بلکه بر روی استفاده از مخلوقی که خدا آفریده است توافق می‌کنند. در حالی که خدا خالق پدیده‌هاست، و به همین جهت توافق برای خدا معنی ندارد.